بازبینی عملکرد شهردار تهران در محله پرآسیب «هرندی» ۱/۵ سال بعد از مانور رسانه‌ای

گُل به سر، زخم به تن

عکس: حسین اسماعیلی، مهر

معصومه اصغری: محله هرندی، یعنی محله‌ای که مقام معظم رهبری درباره آن و محلات اطرافش اظهار نگرانی می‌کنند و گزارش اقدامات در آن مستقیم به دستشان می‌رسد، حالا حالش چطور است؟ محله‌ای که شهردار تهران در مدتی کوتاه بگیروببندی را با هزینه‌های بسیار در آن به راه انداخت و مانوری رسانه‌ای کرد تا آسیب‌ها را جمع کند، امروز چقدر درگیر آسیب‌های گذشته خود است؟ آیا کمبود محله هرندی یک پارک با گل‌های لاله بود که امروز به ایجاد آنها بالیده می‌شود؟

نیمه سال ۹۴ بود که شهرداری تهران با اقداماتی ضربتی معتادان محدوده منطقه ۱۲ و اطراف آن را در چند پارک مشخص محله هرندی تهران جمع کرد و یکباره هزاران کارتن‌خواب و معتاد بدون هیچ ترسی روزها و هفته‌ها دوره هم جمع بودند. شهردار تهران یکباره به میدان آمد و قول جمع‌آوری یک‌هفته‌ای داد؛ اما یک هفته به چند هفته کشید و صدای اعتراض مردم محله هرندی و اطراف را درآورد و بعد از مدتی مردم خودشان دست به کار شدند تا معتادان را بیرون و پخش‌وپلا کنند و دراین‌میان این کارتن‌خواب‌ها و معتادان بودند که از هر طرفی کتک خوردند.

شهرداری تهران برنامه‌ای مفصل را در منطقه ۱۲ شروع کرده بود؛ برنامه‌ای که شکلی ضربتی و عیان، مقبول و خوش‌قیافه‌ای نداشت و تب تندی بود که خیلی زود سرد شد. معاون فرهنگی و اجتماعی شهردار تهران که این برنامه‌ها را ترتیب داده بود، در جمع خبرنگاران سیلی محکمی به صورت خود زد که نشان دهد با هیچ‌کس حتی خودش شوخی ندارد و مرد کار است و بعد هم قول داد اگر تا پایان سال ۹۴ محله معتادان محله هرندی را ساماندهی نکند و وضعیت محله را بهبود نبخشد، استعفا دهد و برود. شهرداری تهران در این مدت درحالی‌که همه معتادان را در یک پارک با استخری بزرگ جمع کرده بود، به گُل‌کاری و شست‌وشوی محلات و افزایش سرانه‌ها و امکانات رفاهی و اصلاح معابر پرداخت و گشت‌های ویژه در محلات گذاشت تا جز آن لکه سیاه جای دیگری از منطقه و محلات معتادی نباشد.

البته اینها برنامه شهرداری تهران بود و در عمل عملکرد اصلی یعنی جمع‌آوری معتادان و کارتن‌خواب‌ها روی زمین ماند. این جمعیت بیمار و آلوده در همه نقاط مناطق اطراف منطقه ۱۲ و سایر مناطق پخش شدند و از یک پارک و یک محله در همه کوچه‌پس‌کوچه‌های این محلات منتشر شدند. شهرداری در حاشیه همان چند پارک اصلی یعنی پارک‌های خواجوی‌کرمانی و حقانی و بهاران دو مدرسه متروکه را تملک کرد تا پروژه جدید خود یعنی مجموعه‌های نگهداری و بازآفرینی و کارآفرینی برای بهبودیافتگان از اعتیاد را فعال کند. در مدتی که شهرداری تهران معتادان را حتی به بهای نبود مزاحمت برای ساقی‌ها در این محله می‌خواست نگه دارد، قرار بود اقدامات جانبی برای این منطقه شروع شود و مراکز نگهداری و ترک برای این معتادان با همکاری سایر مسئولان مرتبط با این آسیب ایجاد شود و افزایش ظرفیت یابند؛ اما این اتفاقات رخ نداد؛ چون شهرداری تهران در این موضوع هم مانند همان موضوعات حمل‌ونقلی نمی‌توانست تعامل خوبی برقرار کند.

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، در یکی از بازدیدهای شبانه اعضای شورای شهر تهران از آن معرکه هرندی، درحالی‌که در کنار حجت‌الاسلام امرودی، معاون وقت فرهنگی و اجتماعی شهردار تهران، بود، در پاسخ به اقدام یک‌جانبه شهرداری تهران در ساماندهی شش‌ماهه هرندی در بیانی اصلاحی گفت: این اتفاق به شرطی رخ می‌دهد که وظایف همه دستگاه‌ها مشخص باشد و همه پای کار بیایند یا اینکه همه مسئولیت‌ها را به یک واحد تفویض کنیم تا مشکل کارتن‌خوابی در پایتخت حل شود و به نظر می‌رسد این هماهنگی فقط با ایجاد یک قرارگاه شکل می‌گیرد؛ چراکه اگر هماهنگی‌ای میان دستگاه‌ها ایجاد نشود، نمی‌توان کاری کرد. باوجوداین شهرداری تهران که پول خرج‌کردن را خوب بلد است، شروع به اقداماتی ظاهری و سطحی برای مردم محله هرندی به شکل نقطه‌ای و اقدامات سلبی از جمله کشیدن نرده‌هایی بلند و آهنی دور پارک‌ها برای دورکردن معتادان می‌کند؛ بدون آنکه درباره محل تجمع جدید و کلونی‌های تازه شکل‌گرفته توضیحی بدهد.

شش ماه تمام می‌شود و در نیمه سال ۹۵ شهردار تهران یکباره پس از ۱۱ سال معاون‌های قدیمی خود را تغییر می‌دهد و معاون فرهنگی مدعی اصلاح شش‌ماهه هرندی هم برداشته می‌شود. برنامه‌ها تغییرات اساسی پیدا می‌کنند و همه چیز از آن زمان تا امروز به قرارگاه اجتماعی مستقر در منطقه ۱۲ سپرده می‌شود که هیچ‌گاه درباره عملکردش گزارشی ارائه نشده است.

به گزارش «شرق» از این مانور پرخطر و آسیب شهرداری تهران یک‌سال‌و اندی می‌گذرد و در یک سال گذشته هرندی و محلات اطراف آن و همه گوشه و کنار مناطق مرکزی و قدیمی شهر تهران معتادان و کارتن‌خواب‌هایی را به خود می‌بیند که زخم‌هایشان را بیرون از پوشش پاره و کثیفی گذاشته‌اند تا دلی بسوزد و پولی ریخته شود؛ معتادان و کارتن‌خواب‌هایی که مدت‌هاست بدون ابایی از مخاطب مردمی و نیروهای انتظامی گوشه پیاده‌رویی موادش را می‌کشند، همان‌جا قضای حاجت می‌کنند و همان‌جا می‌خوابند. معتادان و کارتن‌خواب‌هایی که دیگر مأموران شهرداری تهران کاری با آنها ندارند و حالا وقتی با ۱۳۷ تماس بگیرید، ارجاعتان می‌دهند به ۱۱۰؛ معتادان و کارتن‌خواب‌هایی که فقط در آن مانور نمایشی شهرداری مسئول جمع‌آوری‌شان بود و حالا دیگر مهم نیست کجای آن محله یا محلات تهران سرشان را به زمین سخت می‌گذارند.

یک‌سال‌و اندی از آن پیگیری‌ها و خبر و پس‌خبرها گذشته و شهردار تهران و مدیرانش قرار است از بهشت بروند و شاید باید گفت از خیلی قبل‌تر بنای رفتن را گذاشته و کار را روی زمین رها کرده‌اند. آن‌قدر این اوضاع در محله شاخص آسیب‌های تهران در این مدت زیاد و به روزهای قبل خود برگشته است که صدای اعتراض مهدی چمران بزرگ‌ترین حامی محمد باقر قالیباف هم درآمده است. او هفته گذشته در صحن علنی شورای شهر تهران در حالی که دبیر دبیران شورایاری منطقه ۱۲ از شرایط این منطقه گلایه داشت، دلخوری خود را بیرون ریخت. او با لحنی کنایه‌دار به شهردار منطقه و سایر مدیران در جلسه گفت: امیدواریم طرح‌های اجراشده در منطقه ۱۲ به‌خصوص طرح ارتقای فرهنگی به ثمر نشسته باشد، درست است یک پارک با گل‌های لاله ایجاد شده و استخری که پاتوق معتادان بود دیگر نیست، اما واقعیت این است که معتادان پراکنده شده‌اند و مشکلات اخلاقی نیز هنوز پابرجاست. چمران در عین حال از شهرداری منطقه خواست تا هرچه زودتر گزارشی در راستای اقدامات انجام‌شده در منطقه ۱۲ ارائه دهد.

چمران در پاسخ به «شرق» بسیار ملایم‌تر از اظهاراتش در صحن شورا صحبت می‌کند و از همان درِ همیشگی حمایت از شهردار در می‌آید و می‌گوید: باید قبول کنیم که نمی‌توان تمام مدت با ضرب و زور آنجا کار کرد. در دوره‌ای فشار و موجی را وارد کردند تا محله را از حالت ناهنجاری که بود، دور کنند و حالا هم رها نشده است. او در اظهاراتی خلاف آنچه پیش از این انجام و گفته‌شده است، گفت: این کاری است که پلیس باید انجام دهد و پلیس هم وارد موضوع نمی‌شود و در حال حاضر هم همه کمپ‌ها و بهاران‌ها پر شده است.

او قبول دارد که بخش زیادی از معتادان و کارتن‌خواب‌ها از این محله به محلات دیگر رفته‌اند و می‌گوید: متأسفانه در نقاط دیگر پراکنده شده اند. روند کم‌شدن تعداد کارتن‌خواب‌ها و معتادان که شکل گرفته بود ادامه پیدا نکرد و به نقاط دیگر شهر تسری پیدا کرد و خب متأسفانه هماهنگی و همراهی دستگاه‌های دیگر را هم نداشتیم.

مرتضی طلایی، عضو دیگر شورای شهر تهران هم که سال‌ها خودش دستی بر آتش آسیب‌ها داشت و در جریان اجرای این طرح‌ها بارها انتقاد داشت، قبول دارد که اقدامات صورت‌گرفته نتوانستند آسیب‌های این محله و تهران را کاهش دهند و ساماندهی کنند و گفت: اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای یک چرخه به هم پیوسته هستند. افت اقدامات و پیگیری‌ها در این مدت را داشته‌ایم و نمی‌توانیم بگوییم که وضع خوبی است، او می‌گوید قبول داریم که کار رها شده است و به همین دلیل در فاصله تغییر مدیریت شهری و تغییر در شورای شهر تهران باید حواسمان باشد این مسئولیت‌ها متوقف نشوند و وضع حفظ شود. طلایی می‌گوید در نشست مشترک بین شورای پنجم و چهارم که برای انتقال موضوعات روز گذشته برگزار شد، همین موضوعات مورد بحث قرار گرفته است.

در این میان شاید گزارش شورایاران که نزدیک‌ترین نیروهای مسئول و ناظر به محلات هستند، جامع‌ترین و واقعی‌ترین توصیف از وضع موجود در این محلات پس از آن مانورهای شهردار تهران باشد. میکائیل سعید، دبیر دبیران شورایاری منطقه ۱۲ در مقابل اعضای شورای شهر تهران در گزارش خود گفت: در منطقه ۱۲ مواد مخدر از شیر و شکلات ارزان‌تر است و موادفروشان زودتر از ما به اقدامات پی می‌برند و جالب است بدانید ما اگر بخواهیم نامه‌ای به پلیس بفرستیم، قاچاقچیان زودتر باخبر می‌شوند.

او با انتقاد از جمع‌آوری معتادان در منطقه ۱۲ با بیان اینکه در راستای جمع‌آوری معتادان فقط پول هزینه شد اما علاجی برای منطقه ایجاد نشد، گفت: با اجرای طرح‌های جمع‌آوری معتادان فقط معتادانی که در منطقه هرندی و پامنار متمرکز بودند به همه جا سرایت پیدا کردند.

به گزارش «شرق»، در زمانی که شهرداری تهران یک تنه وارد میدان محلات زخم‌خورده و پرآسیب تهران قدیم شده بود تا مانور خبری خود را اجرائی کند، بسیاری از مسئولان و اعضای شورا و رسانه‌ها اعلام کردند این اقدام به تنهایی امکان‌پذیر نیست و می‌تواند به انتشار این آسیب‌ها منجر شود؛ اما شهردار تهران و مدیران او برنامه خود را پیش بردند. تفاوت محله هرندی و اطراف آن با حدود یک‌سال و اندی قبل آن یک پارک با گل‌های لاله است که اتفاقا دورش را حصار کشیده‌اند. اقداماتی که شهرداری تهران قرار بود در این محله برای کاهش آسیب‌ها اجرائی کند.

من و ام‌اس

سرکشی به سبک «ام‌اس»

مریم پیمان

● لبخند روی لب‌هایم خشک می‌شود. لکه‌ای روی برگه سفیدرنگی در دستم می‌بینم. چیزی نمی‌شنوم. نمی‌توانم نوشته‌های آن را بخوانم. شَک و ترس هم‌زمان به وجودم حمله می‌کنند. با سرعت به میز نگاه می‌کنم، به زمین، به دیوار، به کتابخانه و به هر جایی که این لکه نباشد و به من هشدار حمله و فشار را ندهد. همه‌جا هست. دست راستم از آرنج تا نوک انگشتان بی‌حس می‌شود. دست چپم ناخودآگاه آن را می‌گیرد و انگشتانم به دنبال حسی در دست راست حرکت می‌کنند. درست، مثل حرکت ناخودآگاه پلک‌ها در برابر یک حشره مهاجم، دست چپم به واکنش مشغول می‌شود. تاب ندارم. سرم را روی میز می‌گذارم تا شاید وقتی چشمانم را باز کنم، اثری از لکه نباشد. ساعت ۱۱:۱۵ ظهر آخرین روزهای بهار است. با خودم به دنبال دلیل می‌گردم؛ فشار عصبی، کم‌خوابی، خستگی و فشار، استرس و... . هیچ دلیلی جز هُرمِ گرمای زودهنگام تهران وجود ندارد. از مشکلات بینایی بیش از بی‌جانی دست‌هایم می‌ترسم. از ندیدن بیش از نتوانستن، خاطره دارم و از عفونت بیش از «ام‌اس» آزار دیده‌ام. چه خلوت عجیبی است؛ سری روی میز یک اداره آرام با آدم‌هایی مهربان و دلسوز همراه با هزاران فکر و دعا. برای خودم دعا می‌کنم و برای همه بیماران. پیشانی‌ام را به شیشه میز می‌چسبانم تا گرمای ته‌مانده خرداد را کم کند. بهار بدون هجوم نشانه‌های «ام‌اس» رضایت به رفتن نداد و من تابستان داغی را با وحشت تکرار و ماندگاری نشانه‌ها آغاز می‌کنم؛ تابستانی که باید عفونت رَخت از خون و جان من بربندد و دیگر هم پیدایش نشود. قرار گذاشته‌ام کمتر دکتر بروم و بیشتر مراقب جسمی باشم که می‌خواهد بهتر از همه سال‌های عمرم زندگی کند و سلامتی را تجربه. توان او بیش از من است. همه تخیلات، فکرها، آرزوها و خواسته‌های من را حمل می‌کند و اکنون من باید سهم آن را با ورزش، تغذیه، مراقبت و زیبایی بپردازم. سرم را بلند می‌کنم. لکه هست. لکه وجود دارد و بینایی من ۳۰ دقیقه مختل شده است. می‌ترسم. بلند می‌شوم. به حیاط می‌روم. می‌ترسم. به اطراف نگاه می‌کنم. لکه هست. لکه وجود دارد. دستم جان ندارد. می‌ترسم. به دیوار تکیه می‌زنم. سر به دیوار چشم‌هایم را می‌بندم. با خود تصمیم می‌گیرم؛ «دکتر نمی‌روم. قرص نمی‌خورم. تزریق نمی‌کنم». تردید می‌کنم؛ «من حق دارم سالم باشم». سرکشی می‌کنم؛ «چرا من سالم نیستم؟ چرا من زنده‌ام؟». رانده می‌شوم؛ «چرا دیگران سالم‌اند و من بیمار؟ چرا هیچ راه درمانی نیست؟». خسته شده‌ام از لبخندهای موقت و التیام به بیماران تازه‌وارد به حلقه «ام‌اس». بی‌تابم از شدت بیماری دوستانم و تردید در دعا برای خودم. بیداد می‌کنم؛ «من هم دعا لازم دارم». سرگشته‌ام از نیافتن راهی برای اتمام بازی دکتر- داروخانه- درمانگاه- آزمایشگاه. سرم را به ضرب به دیوار می‌زنم. دستم تیر می‌کشد. روی زانوهایم می‌نشینم. چشمانم را باز نمی‌کنم. دلم می‌خواهد دنیا را به رنگارنگی‌اش ببینم. تردید نمی‌کنم؛ «باید بینایی‌ام را به من برگرداند». با زمزمه‌ای چشمانم را باز می‌کنم. جهان رنگی است بدون لکه‌ای روی زمین، آسمان یا دستان من. دستانم جان ندارند. لبخند می‌زنم. دردی در چشم‌هایم می‌پیچد. می‌دانم. باز هم یک حمله گذشت.

یادداشت

پیچیدگی فراگرد خط‌مشی‌گذاری شورای اصلاح‌طلب شهر تهران

لطیف روحانی

● شورای اصلاح‌طلب و به تبع آن شهردار آینده تهران برای تصمیم‌گیری، باید مسلط و مجهز به ابزارها، شیوه‌ها و دانش جدید در حوزه خط‌مشی‌گذاری و فراگرد تصمیم‌گیری برای مدیریت شهری باشند. دراین‌باره معرفت و شناخت اصلاح‌طلبان شورای شهر تهران از پیچیدگی فراگرد تصمیم‌گیری و همچنین درک دانش جدید خط‌مشی‌گذاری به قرار زیر ضروری است.

الف: پیچیدگی فراگرد تصمیم‌گیری

۱) معیارهای چندگانه: تصمیمات امروزی با درنظرگرفتن معیارهای متعدد و اغلب متضاد (برمبنای منافع و گروه‌های مختلف شهروندی) اخذ می‌شود؛ بنابراین درک و شناخت معیارهای چندگانه در اخذ تصمیمات و شناسایی افراد ذی‌نفع و ایجاد تعادل میان منافع متضاد آنان، چالش عمده پیشِ‌رو برای شورای اصلاح‌طلب شهر تهران است.

۲) آثار بلندمدت: شورای‌شهر و شهردار آینده به‌مرور متوجه خواهند شد که تصمیم‌های آنان علاوه بر آثار کوتاه‌مدت مورد نظر، آثار بلندمدت ناخواسته‌ای را نیز به‌دنبال دارند. شناسایی و رصد آثار آتی تصمیمات باید مورد توجه قرار گیرد.

۳) قضاوت‌های ارزشی: تا زمانی‌که اعضای شورا در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیرهای خود دارای زمینه‌ها، ادراک‌ها، آمال، آرزوها، باورها و ارزش‌های متفاوت و گرایش‌های حزبی خود هستند، فراگرد تصمیم‌گیری اعضای شورا با عدم توافق بر «درست یا نادرست»، «خوب یا بد» و «باید و نباید» ارزشی و اخلاقی همراه می‌شود.

ب: معرفت‌شناسی دانش خط مشی‌گذاری

۱) پرهیز از شیوه تحصلی: توجه به اصول علمی، ضروری است، اما نباید از واقعیت‌ها غافل شد. اصول علمی مکتب تحصلی و اثبات‌گرایی نمی‌تواند در دانش مدیریت شهری جایگاه والایی داشته باشد، بلکه از مکاتب دیگری چون پدیدارشناسی و تئوری‌های بی‌نظمی (Chaos) باید بهره برد. نباید دچار این اشتباه شوند که روش‌های تجربی اثباتی، راه‌حل تمام مسائل است. به‌یاد داشته باشیم روش‌ها تابع مسائل هستند، نه مسائل تابع روش؛ بنابراین در فراگرد تصمیم‌گیری نوین به نوعی شیوه‌های اکتشافی، ابداعی در کنار شیوه‌های عقلایی نیاز داریم. به تعبیری دیگر «بهتر آن است که به نتیجه‌ای تقریبا درست برسیم تا آنکه دقیقا دچار خطا شویم».

۲) تاکید بر سیاست‌های اساسی جامعه شهری: در دانش خط‌مشی‌گذاری، اعضای اصلاح‌طلب شورا باید دیدی کل‌نگر داشته باشند و به سیاست‌های اساسی، استراتژی‌های اصلی، حوزه‌های تفکر و خطوط اندیشه‌های حاکم در جامعه نظر داشته باشند. عدم جهت‌گیری به سمت سیاست‌های کلی و استراتژی‌های اصلی و منافع شهروندان در فراگرد تصمیم‌گیری، نوسان‌ها و تغییرات مکرری را موجب می‌شود و ضایعات جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

۳) جامع‌بودن و آینده‌نگری: خط‌مشی‌گذاری اصلاح‌طلبان نباید تحت فشارهای موجود حزبی، گروهی و جناحی آنها شکل بگیرد، بلکه با نگاه به آینده، باید جامعیت داشته باشد. البته توجه به شرایط حال برای استفاده در روند آینده ضروری است؛ زیرا نمی‌توان بدون در نظر داشتن موقعیت‌های فعلی به آینده نظر دوخت.

جدول ۲۸۵۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- اقیانوس کبیر- مسابقات حذفی در یک رشته ورزشی- درون دهان ۲- نوعی حلوا- شک و تردید- کشوری در شمال کارائیب ۳- ظرفی با پارچه آغشته به جوهر برای مهرزدن- هریک از بخش‌های مجزای یک مجموعه- همنشین برهمن ۴- نخ بافتنی- آخرین غزوه پیامبر اسلام (ص)- واحد مکالمات تلفنی ۵- پدر علم فلسفه- میگرن ۶- شماره- زیلوباف- ریزترین رگ‌خونی ۷- سلاح رستم- راغب و خواهان- سوره هفتادوهشتم قرآن- ویتامین محلول در چربی ۸- رفاقت آنکه به خاطر نادانی‌اش باعث زیان دیگری می‌شود ۹- میان- پرهیزکار- آدم ماشینی- غرور ۱۰- مقابل رعیت- دام- فریاد شادی ۱۱- بی‌دغدغه- میوه خوشه‌ای ۱۲- قبل از ورزش- برای سرخ‌کردن موادغذایی به کار می‌رود- بوی خوش ۱۳- واحد اندازه‌گیری کار و انرژی- بی‌خبر و ناآگاه- کاشف میکروب هاری ۱۴- هنگام ورود به جایی گفته می‌شود- فرو بردن سوزن در چیزی- پایتخت ایتالیا ۱۵- ماهی کنسروی- همسر زلیخا که یوسف را به غلامی خرید - مباح.

عمودی:

۱- از وسایل بازی کودکان در پارک‌ها- بیماری التهاب بافت حنجره ۲- چند رئیس- لاشه جانور- روح ۳- حسرت زده- به طور آشکار ۴- مشورت‌کردن- تابلویی زیبا اثر هنرمندانه استاد محمود فرشچیان- گونه ۵- ورم- عهده‌دار- مبالغه‌کردن ۶- واحدی نظامی- زرد درخشان- ناپسند داشتن ۷- مخزنی از صفحات اینترنتی- سرزنش- خورشیدگرفتگی ۸- گوشه‌ای در دستگاه شور- آژیر خطر- جایگاه شمشیر ۹- گمگشته کنعان- درخت زیتون نماد این کشور است- مکان ۱۰- نوآور- قرار دادن- سالخورده ۱۱- امید که به نیکی یاد شود- دختری که به سن ازدواج رسیده است- واحدی برای اندازه‌گیری زاویه ۱۲- انتها- دام فربه شده- اسبابی برای تعیین وزن هوا ۱۳- آگاهانه- شیشه ایمنی ۱۴- آخرین حد چیزی- هدایت‌کننده- از محبت دیو... می‌شود ۱۵- لزوم- از شهرهای خوزستان.

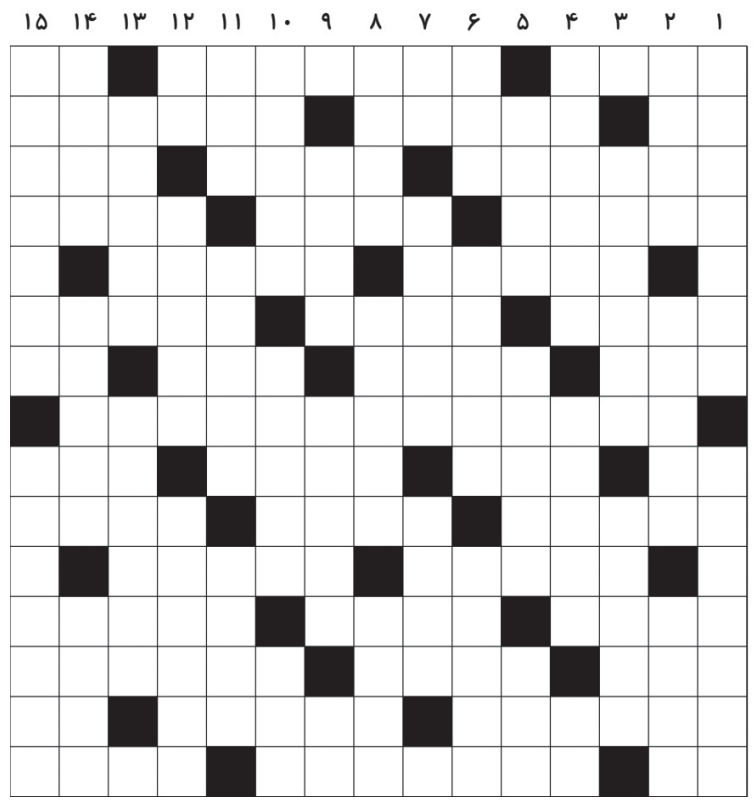

حل سودوکو سخت

۵	۶	۳	۲	۹	۸	۱	۷	۴
۴	۱	۸	۳	۵	۷	۹	۶	۲
۲	۹	۷	۶	۴	۱	۵	۸	۳
۱	۸	۴	۵	۷	۳	۲	۹	۶
۳	۷	۲	۹	۸	۶	۴	۱	۵
۹	۵	۶	۴	۱	۲	۸	۳	۷
۶	۳	۹	۱	۲	۴	۷	۵	۸
۸	۴	۵	۷	۶	۹	۳	۲	۱
۷	۲	۱	۸	۳	۵	۶	۴	۹

حل سودوکو ۱۸۴۸

۲	۶	۵	۸	۷	۱	۳	۹	۴
۸	۱	۹	۴	۲	۳	۵	۶	۷
۳	۷	۴	۶	۵	۹	۱	۸	۲
۴	۹	۷	۵	۱	۲	۸	۳	۶
۱	۵	۸	۳	۴	۶	۷	۲	۹
۶	۳	۲	۷	۹	۸	۴	۱	۵
۹	۴	۱	۲	۸	۷	۶	۵	۳
۵	۲	۶	۱	۳	۴	۹	۷	۸
۷	۸	۳	۹	۶	۵	۲	۴	۱

جدول ۲۸۵۲

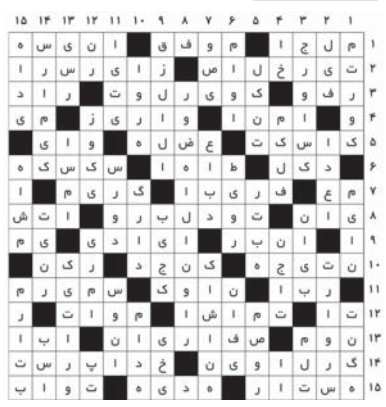

سودوکو سخت ۱۸۴۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۱		۸		
			۲		۵		۴	
	۷	۲		۴		۵		
	۴	۹			۶			۸
۱			۳	۷			۹	
۲		۷						۶
	۶					۱		۳
		۵		۶		۴	۸	
۹				۳			۷	

سودوکو ۱۸۴۹

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۲	۱		۶				۸
۳			۸	۴	۲	۱	۶	
	۸		۵			۹		
۲		۹	۷	۳	۵		۴	
۴			۶		۸		۱	
	۷			۹			۳	
	۳	۲			۹			۷
۷	۶	۵		۸				۴
۹						۲	۵	